



یادداشت

علی محمدزاده

طرح بنزینی را از اول ماه شروع کنید

بر اساس آخرین اظهار نظر سخنگوی دولت قرار است از ابتدای هفته آینده (۲۲ آذر) قیمت هر لیتر بنزین با کارت جایگاه‌ها با قیمت ۵هزار تومان محاسبه شود که توضیحات پرتکراری هم دارد و از این پس اگر دارندگان خودروها علاوه بر سهمیه ۶۰ لیتر هزار و ۵۰۰ تومانی و ۱۰۰ لیتر ۳هزار تومانی مصرف بیشتری داشته باشند باید مبلغ ۵هزار تومان به ازای هر لیتر را پرداخت کنند.

اما اتفاقاً جدی‌ترین و بی‌هیچ تردیدی بزرگ‌ترین مشکل تمام دوره‌های قبلی تغییر نرخ سوخت مسئله بازخورد اجتماعی اجرای این تصمیم بوده است. این بار هم دولت برای کاستن از حجم این مشکل بزرگ تمام تلاش خود را کرده است، ولی به نظر می‌رسد خواسته یا ناخواسته «زمان اشتباهی» را برای اجرای آن انتخاب کرده و همین اشتباه به ظاهر معمولی، می‌تواند تمام تلاش‌های صورت گرفته برای کاستن از بازخوردهای منفی را بر باد دهد.

اگر به زبان ساده بخواهیم این زمان اشتباه را تشریح کنیم، ماجرا از این قرار است که زمان شارژ کارت‌های سوخت ابتدای هر ماه است و معمولاً دارندگان خودرو در حالت عادی تا اواسط ماه یا هفته سوم هر ماه سوخت سهمیه‌ای خود را مصرف می‌کنند و پس از آن به ناچار، سراغ سوخت‌گیری با قیمت‌های بالاتر می‌روند. حالا درست در زمانی که بیشتر دارندگان خودرو، سهمیه خود را مصرف کرده‌اند و در هفته پایانی ماه قرار دارند، تغییرات بنزینی اعمال شده و راننده‌ها ناچارند با بنزین ۵ هزار تومانی سوخت‌گیری کنند و همین تصمیم نادرست، حجم نارضایتی را بالاتر خواهد برد. نارضایتی‌ها درهفته اول اجرای این تصمیم به طور طبیعی سیر صعودی تندی خواهد داشت؛ یعنی همان چیزی که دولت تلاش کرده از آن پرهیز شود. بر همین اساس اگر دولت زمان اجرای تصمیم‌های بنزینی را به ابتدای ماه آینده موکول کند به طور طبیعی، شهروندان سهمیه ارزانی که در کارت‌های خود دارند را با دقت بیشتری مصرف می‌کنند و به نوعی مدیریت بهینه بنزین اتفاق خواهد افتاد و تعداد افرادی که دست‌کم در دو هفته ابتدایی اجرای قانون تازه، با نرخ افزایش یافته بنزین مواجه می‌شوند، بسیار کمتر خواهد شد و طبیعتاً نارضایتی‌ها هم کمتر بروز خواهد کرد.

امیدواریم دولت متوجه همین نکته ساده باشد و در این چند روز باقیمانده، در اجرای تصمیم خود تجدید نظر کند و شنبه را برای اجرای چنین تصمیمی انتخاب نکند که پس‌لرزه‌ای چون تصمیمات اجرا شده در روز جمعه بنزینی را به دنبال داشته باشد.



یادداشت

مجتبی خاتونی

درس‌هایی از سند استراتژی امنیت ملی آمریکا ۲۰۲۵ برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

محتاجیم به واقع‌گرایی

در همین ابتدای کار، باید اذعان کنیم که وجودیک سند در حوزه‌های راهبردی نظیر امنیت ملی، به تنهایی نشانه‌ای از بلوغ و پختگی امر سیاسی به ویژه در موضوعات سیاست خارجی است؛ امری که به وضوح جای آن در سازوکارهای جاری در کشور ما خالی است. در مقابل اما، دشمن شماره یک ما، سال‌های سال است که سیاست‌های استعماری و غرایز استکباری خود را در چارچوب سندها و استراتژی‌های کلی تحت عنوان امنیت ملی دنبال می‌کندو به توفیقاتی هم دست یافته است؛ از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا تسلط‌ای مزمن بر قسمت‌های وسیعی از این کره خاکی. ما موقعیت خود را دقیقاً نقطه مقابل این امپراتوری شیطنی تعریف کرده‌و لاجرم، نمی‌توانیم کنش‌های او را تأیید کنیم، اما حتماً در همان سعی باطل دشمن هم درس‌هایی برای آموختن وجود دارد!

خلاصه استراتژی امنیت ملی آمریکا ۲۰۲۵ عبارت است از: تمرکز بر داخل، واقع‌گرایی و پایان سیاست‌های جهانی گرایانه پس از جنگ سرد. امری که درعینی‌ترین مصداقش در تمرکز بر نیمکره غربی خلاصه می‌شود. در این استراتژی، امنیت مرزها و کنترل مهاجرت، بازسازی قدرت اقتصادی و صنعتی، کاهش وابستگی به نهادهای بین‌المللی، تقسیم‌بار امنیتی با متحدان، کنترل کامل مرزها، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان‌یافته، تقویت امنیت سایبری و زیرساخت‌های حیاتی و... به عنوان اهداف مشخص شده و مناطق و کشورهای مختلف، با برچسب‌هایی صریح و واضح، بازتعریف شده‌اند. از گنده‌گویی در رابطه با ایران به عنوان تهدید کاهش یافته که بگذریم، بازگشت به دکن‌ترین مونرو در نیمکره غربی، شانه خالی کردن از بار مسئولیت همیمانان اروپایی، شریک‌انگاری چین در حوزه اقتصادی و منتفی دانستن تهدید حیاتی از سوی روسیه، از مهم‌ترین واقعیاتی است که طرف آمریکایی را از ایده‌الیسم دور کرده و به واقع‌گرایی رسانده است. امری که شاید بیش از هر کشوری برای ما مفید باشد. در واقع این استراتژی، بیش از هر چیز یک بازگشت دوباره به جغرافیاست که سال‌های سال توسط جهانی‌گرایان سیاست‌های خارجی ایالات متحده، نفی و انکار شده است.

در نقطه مقابل نیز همین وضعیت جاری است. ما در ایران، سال‌های متمادی است که با اصراری عجیب سعی در انکار واقعیت جغرافیایی خود داشته‌ایم و این امر در حوزه سیاست خارجی نیز صادق است! چین و هند را با حدود ۳ میلیارد نفر جمعیت و تنها یک کشور واسط بین خود و آن‌ها قرار داده و به آلمان و فرانسه چسبیده‌ایم، روسیه را با فاصله یک دریاچه در برهه‌هایی از دست داده‌ایم، تا مبادا خدش‌های بر بنای غرب‌گرایی وارد شود.

فرصت‌ها محدودند و سرعت تغییر مناسبات، زیاد! ما به واقع‌گرایی در سیاست خارجی محتاجیم و تنها در آن صورت است که می‌توان به یک سازوکار عمل‌گرایانه و کاربردی از مناسبات بین‌المللی برای تأمین امنیت، علائق و منافع ملی دست یافت. امری که فرا و ورای یک بخش‌نامه یا مصوبه است و نیازمند یک بازنگری اساسی در سیاست‌ها و البته یک پوست‌اندازی جدی در میان تصمیم‌سازان و مجریان سیاست خارجی کشور است.



سران قوا هم مسئولیت خود را بپذیرند



حسین مصماصی، عضو کمیسیون

اقتصادی مجلس | رئیس‌جمهور اختیار دارد وزیران را منصوب کند و مجلس نیز طبق قانون می‌تواند عملکرد وزیران را مورد ارزیابی قرار دهد؛ از سؤال و تذکر گرفته تا تفحص و استیضاح. با این حال، آنچه این روزها شاهدیم، فراتر از چارچوب قانونی است؛ حاشیه‌ها و جنجال‌هایی که بیشتر شبیه بازی سیاسی و رسانه‌ای شده تا نقد واقعی عملکرد وزرا. برخی نمایندگان و مسئولان با ورود به این بازی، فضای تصمیم‌گیری در کشور را پیچیده کرده‌اند و این موضوع، خوراک‌ی برای سوءاستفاده دشمنان فراهم می‌کند؛ در این میان، شایسته‌ست اسران قوا هم مسئولیت خود را بپذیرند. مثلاً یکی از اولویت‌های اصلی امروز کشور، مسائل اقتصادی بوده و محور آن سوءمدیریت و بی‌تدبیری در

حوزه ارز و کالا‌های اساسی است. ارز تخصیص داده شده برای برنج، روغن، نهاده‌های دامی و سایر کالا‌های اساسی به موقع ارائه نشده یا با تأخیر ارائه شده است. برخی مصوبات دولت اجازه واردات کالا‌های اساسی بدون انتقال ارز را داده‌اند؛ یعنی واردات با از بازار آزاد انجام می‌شود که طبیعی است قیمت‌ها از کنترل خارج و موجی از افزایش قیمت به سفره مردم سرازیر شود. مسئول اصلی این مصوبات صرفاً وزیران نیستند؛ سران قوا، رئیس‌مجلس و رئیس‌جمهور در اتخاذ تصمیم‌های کلان نقش مؤثری داشته‌اند و گاهی مشاوره‌های غلط‌نیز به آن‌ها داده شده است. حتی برخی وزیران که خود با این تصمیم‌ها موافق نبوده‌اند، ناچار به اجرای آن شده‌اند. این اقدام‌ها فرصت سوءاستفاده دشمنان را فراهم کرده و هر روز امکان بازی‌نامایی ناکارآمدی‌ها و سوءتدبیر‌ها به نفع جریان‌های معارض فراهم می‌شود.

فرصت مجلس به وزیران برای ارتقای کارآمدی

دولت نیست. مشکلات اقتصادی و معیشتی در تمامی استان‌های کشور ملموس است؛ از آذربایجان شرقی و غربی گرفته تا خراسان، اصفهان، مازندران و گلستان، مردم دغدغه مرغداری، دامداری و امنیت غذایی دارند و انتظار دارند وزیر محترم پاسخگو باشند. البته نقد وزیران نافی تلاش مسئولان دولتی برای حل مشکلات نیست. این هم‌راهی نشان‌دهنده اهمیت حل دغدغه‌های معیشتی و اقتصادی مردم است. تجربه پس از جنگ ۱۲ روزه نیز نشان داد که مردم همواره پای کار بوده و با اتحاد و یکپارچگی مقابل دشمنان ایستاده‌اند. امروز نیز لازم

رحمت‌اله نوروزی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس

تعبیر کشمکش راری نقد وزیران در مجلس، شاید چندان تعبیر مناسبی نباشد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی چند روز را زیر نظر داشتند و حتی امضاهایی برای استیضاح برخی روزا ثبت شد. اما بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب موجب شده هیئت‌رئیس‌ه با صبر و تحمل بیشتری پیش‌برود. رهبر حکیم انقلاب همواره از دولت‌ها حمایت کرده‌اند، هر چند این حمایت به معنای کنار گذاشتن نظارت مجلس و مسئولان بر

فراخبر

گرچه برخی اظهارات و رفتارهای وزیر خارجه اسبق کشورمان باعث ایجاد حواشی و دوقطبی در فضای سیاسی کشور شده است ولی حضور او در مجامع خارجی معمولاً در راستای منافع ملی است

ظرفیت بین‌المللی ظریف

که دارای اهداف توسعه‌طلبانه است. مامی خواهیم با اعراب کار کنیم و برای آن هزینه هم دادیم. همیشه از آرمان عربی حتی بیشتر از کشورهای عربی حمایت کردیم. ما هیچ طمع و ادعای سرزمینی نسبت به دوستانمان در منطقه نداریم. اما چرا باید ما را به خاطر مشکلاتی که اسرائیل ایجاد می‌کند، سرزنش کنند؟».

دفاع محکم ظریف از رویکرد و سیاست خارجی کشورمان در مجمع دوحه پس از آن بود که دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس در اظهاراتی گستاخانه مدعی شد کشورهای عربی خلیج فارس در پی ثبات و شکوفایی تهران هستند و «نمی‌خواهند ایران به قعر سقوط کرده یا نابود شود».

فرمودوحه یک همایش بین‌المللی سالانه است که رهبران جهانی، تصمیم‌گیران، تاجران و فعالان را گرد هم می‌آورد تا درباره چالش‌های مهم جهانی بحث کنند. قسمت جالب ماجرا در نشست بیست و سوم که اداره آن را «تریتا پارس» معان افرایی اندیشکده کونینسی برای حکمرانی مسئولانه در واشنگتن بر عهده داشت هم جایی بود که وزیر پیشین امور خارجه کشورمان در اشاره به طرح موضوع

در قالب فروم دوحه ۲۰۲۵ انجام گرفت با یادآوری اقدام‌های ضدایرانی اعراب همسایه در مقاطع مختلف بیان کرد: «برخی کشورهای منطقه از دهه ۷۰ دست به اقداماتی زدند. آن‌ها تا امروز مدام می‌گویند جزایر ما (تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی) را پس بدهید. در حالی که گذشته را نادیده می‌گیرند. اگر قرار است درباره گذشته صحبت کنیم، باید از کمک‌های ۵۰ و ۱۰۰ میلیارد دلاری که آن‌ها برای پروژه‌های مختلف علیه ایران داشتند نیز سخن گفت. هزار میلیارد دلار خسارتی که صدام به ایران وارد کرد نیز باید یادآوری شود».

وی با رد ادعاها درباره «ضعیف شدن ایران» افزود: «توان نظامی و قدرت امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه بی‌همتا است. ایران توانست در جنگ ۱۲ روزه خسارت جدی به اسرائیل وارد کند. توانایی‌های ما ذاتی و بومی است، وارداتی نیست. به نفع همه است که این واقعیت را بپذیرند، با آن کنار بیایند و برای همکاری با ایران آماده شوند». وزیر امور خارجه پیشین همچنین با انتقاد از برخی جریان‌ها که تلاش دارند جمهوری اسلامی را به عنوان تهدید منطقه معرفی کنند، تأکید کرد: «بزرگ‌ترین تهدید، اسرائیل است

و امنیتی برای رژیم صهیونیستی در جوار مرزهای شمال غربی ایران به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نگرانی تهران بدل شده است. از همین رو، سفر عراقچی به باکو را باید نه از منظر «حسن نیت»، بلکه از موضع تثبیت خطوط قرمز راهبردی ایران تفسیر کرد.

در سطح امنیتی، این سفر پیامی شفاف و بدون ابهام در خود دارد: ایران اجازه نخواهد داد خاک کشورهای همسایه به سکوی تهدید علیه تمامیت ارضی و امنیت ملی اش تبدیل شود؛ چه این تهدید مستقیم باشد، چه در پوشش همکاری‌های اطلاعاتی، نظامی یا فناوریانه با رژیمی که به صراحت موجودیت ایران را هدف گرفته است. این سفر، در واقع بازتعریف منطق همسایگی است؛ منطق جدیدی که در آن طی‌طرفی منفعلانه دیگر قابل قبول نیست و هر سطح از همکاری با دشمن راهبردی ایران، هزینه‌زا خواهد بود. از منظر ژئوپلیتیک، ایران به‌خوبی آگاه است که قفقاز جنوبی در حال تبدیل شدن به یکی از کانون‌های اصلی رقابت قدرت‌هاست. ترکیه با تکیه بر پیوندهای قومی و نظامی، رژیم صهیونیستی با نفوذ امنیتی و فناوریانه و غرب با پروژه‌های ترانزیتی و انرژی، در تلاش برای بازطراحی نقشه قدرت در این منطقه‌اند. در این میان، جمهوری آذربایجان نقش پیش‌شان

سیدحسین حسینی | این روزها تغییر وزیران کابینه دولت چهاردهم به محلی برای نزاع آشکار میان دو قوه مجریه و مقننه تبدیل شده است؛ نزاعی که هر از چندگاهی با انتشار خبرهایی درباره استیضاح چند وزیر در صحن علنی مجلس شدت می‌گیرد و سپس در فاصله‌ای کوتاه تکذیب یا رفع و رجوع می‌شود. این بازی رفت و برگشت میان مجلس و دولت گاه حتی به خوراکی جذاب برای رسانه‌های غربی تبدیل می‌شود و

نزاع سیاسی بر سر تغییر وزیران و استیضاح؛

حاشیه‌ها و انتقادها دستاویز رسانه‌های غربی شده است

یک بحث بین‌قوه‌ای

آنان این وضعیت را دستمایه ادعای کارآمدی قوای کشور قرار می‌دهند. روزنامه قدس در گفت‌وگو با سه تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تلاش کرده از پنجره مجلسی‌ها زاویه‌های پنهان و پیدای این کشمکش را ببیند. فرازهایی از گفت‌وگوها در ادامه آمده است. تلاش خبرنگار روزنامه قدس برای دریافت توضیح از مسئولان دولتی نیز همچنان ادامه دارد و امید که بی‌نتیجه نماند.

این کشمکش نیست، ظرفیت‌های قانونی است

موضوعی که امروز محل بحث و نزاع شده، عملکرد وزرا و احتمال تغییر آن‌هاست. مجلس شورای اسلامی طبق قانون حق دارد عملکرد وزرا را ارزیابی کند و در صورت نیاز اقداماتی مانند تذکر، سؤال یا استیضاح را دنبال کند. این روند قانونی، همسو با منافع مردم و در چارچوب قانون اساسی است و هیچ تعارضی با حمایت از دولت ندارد.

اقدام‌ها در حوزه قیمت‌ها، بازار و روند فعالیت‌ها جزئی از سازوکار عادی و قانونی کشور بوده و هدف آن تضمین شفافیت، پاسخ‌گویی و پیشبرد منافع عمومی است. به عبارت دیگر، نظارت مجلس بر وزیران و دولت نه تنها خلاف منافع کشور نیست، بلکه حلقه‌ای ضروری در مدیریت کشور و اجرای قانون اساسی است و هر گونه اقدام در این مسیر باید با رعایت فرایند قانونی و مصلحت مردم همراه باشد.



محمد رضا صباغیان بافقی، عضو

کمیسیون داخلی | بحث درباره

وزیران همواره در چارچوب اصل نظارت مجلس مطرح بوده است؛ از تذکر و سؤال گرفته تا استیضاح، همه و همه، مراحل قانونی خود را طی می‌کند و هیچ موردی خارج از روند عادی و فرایند قانونی نیست. در واقع آنچه شما آن را کشمکش می‌خوانید می‌تواند تعبیر دیگری از ظرفیت‌های قانونی باشد. استیضاح وزرا یک فرایند مشخص دارد و در همه مقاطع و دوره‌ها، این روند پیگیری شده است. این اقدام‌ها نه تنها ارتباطی با حاشیه‌ها ندارد، بلکه کاملاً در راستای وظایف نظارتی مجلس و به نفع مردم است و اگر چند بار موضوع آن داغ شده اما به سرانجام نرسیده، باز هم چیزی عوض نشده است.

است مجلس و دولت دست در دست هم، مشکلات اقتصادی و معیشتی را پیگیری کنند تا سفره مردم و دغدغه‌هایشان مورد توجه ویژه قرار گیرد و فشار تورم و گرانی بر خانواده‌ها کاهش یابد. چه مجلس و چه دولت برای رسیدن به همین افق تلاش می‌کنند. مجلس می‌کوشد فرصت اصلاح به وزیران دولت داده شود و آن‌ها بتوانند اوضاع را بهبود بخشند. این حرکت مطابق با خواست رهبر معظم انقلاب هم‌هست. اما اگر وزرا موفق به رفع مشکلات نشوند، طبیعتاً استیضاح وزیران دوباره در مسیر خود پیش خواهد رفت.

میدان گازی آرش از سوی البیدیوی، از کوره در رفته و وارد چالش و درگیری لفظی شد و گفت: «هر گاه که خواستیم درباره میدان آرش مذاکره کنیم، این فقط و فقط کویت بود که از گفت‌وگو خودداری کرد، نه ایران!»، با وجود نغدهای جدی بر برخی مواضع و عملکرد وزیر خارجه پیشین، دفاع جانانه ظریف از سیاست خارجی کشورمان آن هم در قلب یک پایتخت عربی که در رسانه‌های بیرونی انعکاس بسیاری داشته قابل تحسین است. اینکه در دوحه ماجرای کمک‌های بی‌دریغ اعراب به صدام حسین را پیش چشم آن‌ها آورده و به رغم تبلیغات علیه جمهوری اسلامی با صدای رسا رسماً کویت عامل مانع‌تراشی بر سر گفت‌وگوها بر سر میدان آرش معرفی شده، تا جایی که دبیر کل شورای همکاری در گوشه رینگ قرار گرفته و طرف ایرانی را به آرامش فراخواند کم نیست. ظریف البته در حاشیه نشست هم دیدارهای دوجانبه داشت و به تبیین سیاست خارجی کشورمان پرداخت. او در گفت‌وگو با «فؤاد حسین» وزیر خارجه عراق بر حل مسالمت‌آمیز بحران‌های منطقه و ایجاد امنیت پایدار و جمعی تأکید کرد.

که دارای اهداف توسعه‌طلبانه است. مامی خواهیم با اعراب کار کنیم و برای آن هزینه هم دادیم. همیشه از آرمان عربی حتی بیشتر از کشورهای عربی حمایت کردیم. ما هیچ طمع و ادعای سرزمینی نسبت به دوستانمان در منطقه نداریم. اما چرا باید ما را به خاطر مشکلاتی که اسرائیل ایجاد می‌کند، سرزنش کنند؟».

یا گذرگاه این پروژه‌ها را ایفا می‌کند. حضور دیپلماتیک ایران در باکو، در واقع تلاشی برای جلوگیری از تثبیت یک نظم جدید ضدایرانی در مرزهای شمالی کشور است؛ نظامی که می‌تواند پیامدهای بلندمدت و حتی برگشت‌ناپذیر برای موازنه منطقه‌ای داشته باشد.

در حوزه اقتصادی و تجاری نیز نگاه ایران دیگر مبتنی بر خوش‌بینی ساده‌لوحانه نیست. تهران اکنون با رویکردی سخت‌گیرانه‌تر به دنبال سنجش مجدد «سود واقعی» تعامل با باکو است. اگر جمهوری آذربایجان مایل است از مزایای ژئوپلیتیکی همسایگی با ایران، مسیرهای ترانزیتی، انرژی، بازار گسترده و نقش ایران در اتصال به جنوب آسیا بهره‌مند شود، ناگزیر است در محاسبات امنیتی خود بازنگری کند. همکاری اقتصادی دیگر بدون تضمین‌های سیاسی و امنیتی معنا نخواهد داشت؛ چراکه تجربه اخیر نشان داد تجارت بدون اعتماد راهبردی، به پاشنه آشیل امنیت ملی تبدیل می‌شود.

از منظر اجتماعی – هویتی نیز این سفر حامل پیام مهمی است. پروژه‌های تحریک هویت‌های قومی، جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی طی سال‌های گذشته با هدف ایجاد شکاف در مناطق ترک‌نشین شمال غرب ایران تقویت شده‌اند؛



یادداشت

دکتر هیراد مخبری

کارشناس مسائل قفقاز

سفر معنادار دیپلماتیک ایران به جمهوری آذربایجان

قفقاز در آستانه نظم جدید

سفر اخیر وزیر خارجه ایران به جمهوری آذربایجان و دیدار در باکو را نمی‌توان صرفاً یک رویداد دیپلماتیک عادی در چارچوب روابط دوجانبه تلقی کرد؛ این سفر در امتداد تحولات پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، دارای بار سنگین امنیتی، هشدار آمیز و بازدارنده است و باید آن را در متن بازآرایی جدی موازنه قدرت در قفقاز جنوبی تحلیل کرد. جنگ ۱۲ روزه اخیر، صرفاً یک درگیری نظامی محدود نبود، بلکه عرصه‌ای برای آشکار شدن خطوط پنهان همکاری، سکوت یا حمایت برخی بازیگران منطقه‌ای از پروژه‌های ضدایرانی رژیم صهیونیستی بود. در این میان، نقش غیرمستقیم اما معنادار جمهوری آذربایجان در سال‌های گذشته از طریق فراهم‌سازی بسترهای لجستیکی، اطلاعاتی